طرح بحث تعدد قرائات با نگاه برون دینی با توجه به تدوین تکوین بودن قرآن

آقا فرمودند خلاصه اینها را بگویید. ببینید ما که مباحثه کردیم مهمترین محور در مباحثه ما که الآن هم عرض میکنم، این است؛ اگر ما در ابتدا از بیانات خود ثقلین استفاده نکنیم که قرآن چیست، این بحثها ابتر است. این عقیده من بوده. هفت-هشت سال است که مدام تکرار کردهام. ما نباید این را دست کم بگیریم. و لذا ممکن است از این بحثهایی که نوشته شده برخی از جزوات نوشته شود تا محضر کسانی که صاحبنظر هستند ببینند. اما مبادی ثبوتی بحث مهمتر است. باید مبادی ثبوتی معلوم شود. یکی از آنها این است که معلوم شود قرآن چیست. شما میگویید در این عصری که این همه مطالب هست، شما با یک نگاه درون دینی محدود میخواهید قرآن را حداکثری و فوق حداکثری بکنید؛ شما میخواهید بگویید ابن عباس گفته اگر عقال پای شتر تان هم گم شده باشد من از قرآن جای آن را نشان میدهم. این معروف است. اینها فوق حد اکثری است. آن هم با نگاه درون دینی که مورد اختلاف شدید است. خب شما با این بحثها چطور میخواهید عرضه کنید؟!

اتفاقا آن چیزی که من در مباحثه عرض کردم این است: این مباحثهای که ما داریم ریختش ریختی است که در سطح مطالب دانشگاههای آکادمیک به نحو برون دینی است. حتی برای کسی است که خدا را قبول ندارد، اینها قابل عرضه است. بحث باید به این صورت جلو برود. نه اینکه بگوییم ما که خدا را قبول داریم، قرآن را هم که قبول داریم میگوییم خدا همه تکوینی را در قرآنش تدوین کرده. خب دیگری میگوید من اصلاً خدا را قبول ندارم. دیگری میگوید من اصلاً اسلام را قبول ندارم. همه بحثها میخورد زمین. عرض من این است اتفاقا ریخت مباحث قرآن کریم و علوم قرآنی ریختی است که شما میتوانید اینها را برای کسی که اصلاً خدا را قبول ندارد مطرح کنید. اما بهصورت قضیه شرطیه.

قضیه شرطیه به چه صورت است؟ بلاتشبیه کسی هست که رمان ننشنیده باشد؟! ولو مثل من رمان نخوانده اما رمان شنیده. خب رمان چیست؟ همین که کتاب را باز میکنید میدانید که نویسنده آن را نوشته است. یک چیز دروغ و خیال پردازی است. خب به کسی که خدا را قبول ندارد میگوییم رمان خواندی یا نخواندی؟ کتاب رمان دیدی یا ندیدی؟ خب کتاب رمان را میخوانی و خودت را در فضای ذهنیای که او ترسیم کرده میبری. جلو میروی و تا آخر هم سر میرسد. یک رمان را خواندی. وقتی شما رمان میخوانی اگر یک فرد عادی باشید یک قصهای را خواندهای و تا آخر رفتهای. اما اگر رمان خوان باشی، جامعهشناس و اقتصاد دان هم باشی، طبیب هم باشی، عالم باشی، وقتی شروع به خواندن رمان میکنید میبینید که این رمان نویس اقتصاد دان است. محال است رمان نویسی

که اقتصاد دان نیست اینها را بگوید. تشخیص میدهید. چرا؟ میگویید اینکه کلش رمان است، شما از کجا میفهمید؟ رمان بودن که منافاتی ندارد. چون او یک نظمی را فرض گرفته است. در نظمی که رمان نویس فرض گرفته، در نظم مفروض او شما حکمت میبینید. گاهی در نظم مفروض رمان او سفاهت میبینید. میبینید یک آدم بی خودی یک چیز نوشته است. این خیلی روشن است. ببینید کدام ذهن تحصیلکرده است که این را نپذیرد. رمانی که اساسش بر فرض و تخیل است چون یک نظمی را فرض میگیرد شما میتوانید از نظم حاکم بر آن رمان چیزهایی را کشف کنید. حکمت را به نویسنده نسبت بدهید. عین همین حرف را ما برای علوم قرآنی داریم. بهعنوان قضیه شرطیه میگوییم. میگوییم شما اصلاً خدا را قبول نداشته باش. رمان که خواندی! فرض میگیریم که یک خدایی هست. فرضش که محال نیست. این عالم را او آفریده. تو قبول نداری نداشته باش. اما این نظام فکری را روی فرض بنا کن که خدایی هست که قادر مطلق است. عالم مطلق است. فقط اینها را تصور کن و روی نظام فکری فرض بگیر. حالا جلو برو و بگو این خدایی است که هست، باز فرض میگیریم این خدا میخواهد قدرت و علم و عالمی را که آفریده تودینی کند. میخواهد آن را بهصورت یک کتاب در بیاورد. ببینید باز میخواهد روی فرض جلو برود.

خدایی که فرض گرفتیم همه چیز را میداند و همه چیز را خلق کرده، فرض بگیریم که میخواهد تودینی کند، چجور تودینی میکند؟ راهها و طرقی دارد. گاهی برای این طرق بیاناتی میآوردی که سفیهانه است؛ میگوییدی این خدا پنبه ای را خلق میکند و بعد آن را میریسد، بعد از آن کاغذ درست میکند؛ کاغذی که از این کهکشان تا آن کهکشان میرود ...؛ یک چیزهایی میگوییدی که او هم شروع به لبخند زدن میکند. میگویدی خدای شما ...؛ چندین زمین باید خلق کند تا پنبه ای باشد که بتواند کاغذ به این وسیعی طومار را بیافریند.

خب این یک فضا است. یعنی از نحوهای که شما نظم را برقرار میکنید میفهمد نظمی است که میخواهید عوامانه و روی سذاجت ذهن جلو برود. اما یک وقتی است که میگویدی این خدایی که فرض گرفتیدی حالا میخواهد کتابش را تودینی کند. چگونه تودینی میکند؟ این قدم دوم است که عرض کردم مهمترین چیز در مباحثه ما است. تحدی؛ رمز تحدی چه بود؟ اساس کار ما و بحث ثبوتی ما به رمز تحدی بود. اصلاً چرا نمیتوانند مثل قرآن بیاورند؟ چرا قرآن معجزه است؟ وقتی قرآن میفرمایند اگر همه جمع شوید نمیتوانید بیاورید، چرا؟ اگر همه نتوانستید بیاورید «فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»[1]. آن وقت است که میفهمید این کتابی است که خدا تودینی کرده. غیر او نمیتواند تودینی کند.

در این فضا چه چیزی به کار میآید؟ قبلاً عرض کردم. مهمترین چیزی که قرآن جلب نظر میکند این است؛ در موردی هم که برای کافر میگوییم این است؛ میگوییم نعوذ بالله در این رمانی که برای تو میگوییم فرض میگیریم خدایی که همه را آفریده از روز اول پیامبرانی را آورده که این جور نیست که یک دفعه این تودینی را نازل کند. از روز اول خلقت برای این تودینی زمینهسازی کرده. پیامبرانی که آمدند...؛ در روایتی که در کتاب الاوائل ابوهلال عسگری است–شاید در جای دیگری هم باشد- میگوید اول وحیی که نازل شد حروف مقطعه بود؛ حروف نورانی بود. همه اش نه چهارده نورانی؛ خداوند این حروف را بر قلب آدم علیهالسلام وحی کرد، «فی قوالب نورانیه». این اول وحی الهی است. یعنی اساساً شروع وحی به ظهور این حروف بوده.

---

[1] هود۱۴

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 14:47:26 توسط ... .
به روزرسانی شده 27 مه 2024 13:56:53 توسط ... .